

روزنانس یک رخداد است



احمدغلامی

مهم نیست ما به چه چیزی باور داریم یا تحت تأثیر چه ایدئولوژی هستیم، انسان منفک از باورها و اعتقادات خود تحت تأثیر جریان‌ها احساس‌ها و احوالات گوناگونی قرار می‌گیرد که شاید چندین ارتباطی به باورهایش نداشته باشد. در عین حال انسان به غیر از باورهایش، محصور در زمان و مکان است. موجودی مکان‌مند و زمان‌مند که در سیطره آنها احوالاتش تغییر می‌کند. هرچه آدمی گذشته‌تر باشد، تأثیرپذیری‌اش بیشتر است. از مکان‌ها آغاز کنیم. در مجلس موسیقی و طرب، حال آدمی دگرگون می‌شود و با تمام وجودش در سیطره موسیقی است؛ باورش از کار بازمی‌ایستاد و سراپا گوش و احساس است. این تأثیرپذیری در مکان‌های معنوی به‌گونه‌ای دیگر است. اگر آدمی با مذهب عناد نداشته باشد، فارغ از اینکه مذهبی باشد یا نه، جذبۀ آن مکان برایش اجتناب‌ناپذیر است. این تأثیرپذیری از مکان و زمان یعنی کشودگی به جهان. این کشودگی در روابط انسانی‌ها هم نقش ایفا می‌کند. جامعه بحران‌زده ناگشوده و سردرگریان است. در چنین جامعه‌ای رابطه‌ها شکل نمی‌گیرند مگر در راستای منافع. این وضعیت برای مردم ایران بسیار ملموس است. آنان در بسیاری از وضعیت‌ها ناگشوده‌اند. یکی از بارزترین نشانه‌های کشودگی، گوش سپردن به دیگری است. اگر نگوییم این مسیر اینک در بین مردم مسدود است، گوش‌سپردن و دل‌دادن به دیگری دست‌کم دشوار شده است. البته این بیماری منحصربه‌فرد جامعه ایران نیست؛ این بیماری جامعه سرمایه‌داری و بیماری جهانی است و هر جامعه‌ای با شرایط و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی خود گرفتار این بیماری است. شدت و ضعف این بیماری هم به عوامل متعددی بستگی دارد؛ در جوامع سرمایه‌داری ناب به‌گونه‌ای است و در جوامعی که در سیطره ایدئولوژی‌های دیگر هستند به‌گونه‌ای دیگر. در جوامع گرفتار معضلات اقتصادی، خشونت و انزوا چهره‌ای عریان‌تر دارد. با وجود این، چنین وضعیت‌هایی قادر نیستند انسان را یکسره به انقیاد خود درآورند. حتی در مبادین جنگ نیز بارقه‌هایی از عشق به همون روح آدمیان را سرشار می‌کند. اگر انسان‌ها را فارغ از مرزها و مقنضیات کشور‌هایشان در نظر بگیریم، می‌توان گفت انسان امروز ناگشوده است. ناگشودگی که باورها، اعتقادات و مه‌جزر از همه سرمایه‌داری به آنها تحمیل کرده است. انسان امروز به بیماری شتاب گرفتار آمده است؛ در مسابقه‌ای کشنده برای دستیابی به موفقیت. او دیگر قادر به هم‌آوایی با دیگری و جهان نیست، از خود و جهان بیگانه شده است. هارتموت زرا، متفکر و جامعه‌شناس آلمانی و از نسل چهارم مکتب فرانکفورت، برای رهایی از این وضعیت تعبیر «روزنانس» یا هم‌آوایی و وطن‌اندازی را پیشنهاد می‌دهد. او باور دارد بیماری مدرنیته، شتاب اجتماعی فراینده است؛ شتاب برای تسلط بر جهان، مهار و محاسبه‌پذیر کردن آن. پیامد ناگامی در این خواسته‌ها چیزی جز فرسودگی، افسردگی و بیگانگی نیست. هارتموت زرا در برابر این شتاب فراینده، مفهوم روزنانس یا هم‌آوایی را قرار می‌دهد. این هم‌آوایی چند مؤلفه دارد: «تأثیرپذیری»؛ اینکه چیزی عمیقاً آدمی را تسکین می‌دهد، ندایی که او را فرا می‌خواند. «پاسخ‌گویی»؛ آدمی نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد، برانگیخته می‌شود. «تغییرپذیری»؛ بعد از این مواجهه، انسان از آنچه بوده حتی برای لحظه‌ای فاصله می‌گیرد. «دستیابیافتنی‌بودن»؛ روزنانس دستیابیافتنی است، نه با اراده به دست می‌آید و نه با پول و قدرت و تکنولوژی. روزنانس یک رخداد است؛ رخدادی که مستلزم کشودگی است. آری گفتن به جهان و هم‌آوایی با ظنین‌های انسانی‌اش؛ شعر، شور، موسیقی و ندای آسمانی که جانت را بی‌اختیار و فارغ از باورمندی یا ناباوری در بر می‌گیرد. هم‌آوایی و کشودگی برای جامعه ایران هنوز چندان دور از دسترس نیست. با این اوصاف، نگرانی از وضعیت بحرانی اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، جامعه ایران را تهدید می‌کند تا هم‌آوایی‌اش را با جهان از دست بدهد.

شنبه ۴ مهر ۱۴۰۵
۱۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
۲۶ سپتامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۸۴
۴۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

گزارش «شرق» از ابتکار هفت روزه تهران و تلاش برای گشایش دیپلماتیک

گرگ و میش نیویورک

گزارش نینرپیک را در صفحه ۲ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید.عکس: مهر

گزارش «شرق» از زندگی بازنشسته‌هایی که میان هزینه درمان مخارج زندگی و کمک به فرزندان، در فشار اقتصادی هستند

سالمندی با جیب خالی

یادداشت

گذار ناگزیر از بانکداری محافظه‌کار به بنگاه‌سازی توسعه‌ای



روزنامه‌نگار

در اقتصاد امروز ایران است. بانکداری متعارف در محیطی بهتر عمل می‌کند که حدی از ثبات پولی، امکان قیمت‌گذاری ریسک و افق قابل محاسبه برای سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد. اما اقتصاد ایران دهه‌هاست با تورم مزمن و در بسیاری از دوره‌ها بالاتر از نرخ سود بانکی، نوسانات ارزی، تحریم، نرخ‌گذاری‌های اداری و نااطمینانی سیاسی تنیده شده است. آمار سال ۱۴۰۴ نیز تصویری نگران‌کننده از تشدید همین فرسایش ساختاری ارائه می‌دهد؛ تورم سالانه در اسفند به ۵۰٫۶ درصد رسید و تشکیل سرمایه ثابت نیز کاهش درخور توجهی را ثبت کرد. هرچند دو مرجع رسمی درباره شدت این افت برآورد یکسانی ندارند –مرکز آمار ایران کاهش ۲۸٫۸درصدی را گزارش کرده، در حالی که بانک مرکزی افت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال ۱۴۰۴ را ۱۱٫۹ درصد برآورد کرده است– جهت حرکت در هر دو برآورد منفی است

یادداشت

تحلیل محتوای سخنرانی پزشکیان در سازمان ملل متحد

بازسازی گفتمان پایداری در بستر دیپلماسی



ابراهیم‌شیخ

این روش بر شناسایی مقوله‌های اصلی، راهبردهای بلاغی و ساختار روایی متن متمرکز است. واحد تحلیل، سخنرانی کامل رئیس‌جمهور است.

یافته‌های تحلیل محتوا

تحلیل محتوای سخنرانی نشان می‌دهد که متن در پنج مقوله اصلی سازماندهی شده است. مقوله نخست، بازتعریف هویت ایران از «تورویست» به «قربانی تورویسم»: پزشکیان سخنرانی خود را با پاسخ مستقیم به اتهام تورویسم که توسط رئیس‌جمهور آمریکا طرح شده بود، آغاز کرد. او با استفاده از تصاویر و روایت‌های مشخص از قربانیان، این برجسب را به چالش کشید: «دیروز رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که ایران تورویست است، اما ما قربانی تورویسم هستیم». این جملات با اشاره به ترور رهبر انقلاب و بمباران مدرسه‌ای در میناب و ورزشگاهی در لامرد همراه شد تا دقت و شواهد متقن بتواند روایت «تورویست»بودن ایران را با روایت «قربانی»بودن آن جایگزین کند. مقوله دوم، افشای استانداردهای دوگانه به‌عنوان هسته اصلی استدلال: استدلال مجوری سخنرانی بر تناقض‌های نظام بین‌الملل

خاتمی خطاب به پزشکیان:

کم‌هزینه‌ترین و مؤثرترین مسیر برون‌رفت از بحران را بیابید

برگزیده‌ها

گفت‌وگو با ابوالحسن نهایی نژاد دوبلور و مترجم پیشکسوت
اشک‌ها و لبخندهای یک دوبلور

فرانشست زمین در اصفهان و بحران حکمرانی آب در ایران

خشونت کند؛ وقتی غفلت زمین را می‌بلعد

تابوان، ایران و رقابت فناوری، پشت تشریفات سه‌روزه ترامپ و شی باقی ماندند

سایه «گروه دو» بر جهان

معاون ارتباطات شرکت مخابرات از جهش هزینه تجهیزات و ادامه توسعه در شرایط جنگی می‌گوید

اپراتورهای ثابت به دنبال «اینترنت پرو» در شرایط ویژه

داستان‌های موزی و روح هزارویک شب
اصغر فرهادی و کشف دوباره هنر کهن‌داستان

افزایش نرخ انرژی چین، آمریکا و ایران رایای میز مذاکرات می‌کشاند؟

بازی با برگ نفت

یادداشت

استاندارد دوگانه غرب



مهرداداحمدی‌شیخانی

آن قدیم‌ها و تا پیش از تأسیس اولین مدارس مدرن توسط جاویدان‌پاد حسن ششدیه، در ایران عصر قاجار، روش سوادآموزی این‌گونه بود که کودک را به مکتب‌خانه می‌فرستادند تا توسط «ملا» خواندن و نوشتن یاد بگیرد و این لقب ملا هم اشاره به دانایی داشت و هنوز هم در کلام عامیانه، هستند افرادی که به آن کس که سوادی بیش از متوسط جامعه دارد، ملا می‌گویند و البته سطح متوسط جامعه در آن زمان، بی‌سوادی بود و برای همین، ملا کسی بود که از نعمت سواد برخوردار بود. اما در همین نگاه عامیانه، داستان‌هایی نیز برای ملاها ساخته‌اند که یکی از آنها چنین است که در دهی ملایی که در تکلم برخی از حروف مشکل داشت و برای مثال «لام» را «نون» تلفظ می‌کرد، موقع آموزش حروف الفبا به شاگردان مکتب، این جابه‌جایی حروف در تلفظ، باعث دردرس بود و هر کلمه‌ای که در آن حرف «لام» داشت، با صدای «نون» به شاگردان مکتب می‌آموخت و شاگردان بخت‌برگشته نیز که با صدای «نون» آن کلمه را بر زبان می‌آوردند، با تشر ملای مکتب روبرو می‌شدند و فریاد ملا به آسمان می‌رفت که «وقتی من می‌گم انف، شما نکید انف، شما بگید انف». قطعاً جهان در قرن بیستویکم با جهان گذشته بسیار متفاوت است. ولی آنچه در این چند سال و پس از وقایع هفتم اکتبر و به‌خصوص در این جنگ تجاوزکارانه آمریکا-اسرائیل علیه کشورمان گذشته، در جنبه‌های ماهیتی، این تصور را که واقعا جهان با گذشته تفاوت کرده باشد، به چالش کشیده است. کشتار حداقل ۷۰ هزار کودک و زن و مرد فلسطینی در غزه که همچنان ادامه دارد و بمباران مدرسه میناب و ورزشگاه دختران لامرد و مهمانی عروسی در همین کشور خودمان و اصرار رسانه‌های جریان اصلی نظام سرسرمایه‌داری که با وجود جنایت جنگی دانستن این کشتار توسط آمریکا از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل، هنوز گزارش تهیه می‌کنند...

ادامه در صفحه ۱۰

ادامه در صفحه ۸